

# کشور پشتونستان

نوشته: په په اسکویار  
ترجمه: نصرالله قاضی

## بخش اول:

### باید راه خروجی باشد

در حالیکه واشنگتن سعی میکند "طالبان" را درهم بشکند - چه ننو طالبان باشد چه سازمان تندرو "تحریک طالبان پاکستان" <sup>۱</sup> "منطق امپراطوری هرج و مرج برای توضیح استقرار دائمی نیروهای آمریکا و پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در افغانستان و پاکستان" افیک <sup>۲</sup> هرچه که باشد، تعداد فزاینده ای از پشتون ها که در دو سوی مرزهای ایندو کشور زندگی میکنند از موقعیت استفاده کرده و به طالبان به چشم عاملی برای ایجاد کشور پشتونستان مینگرند . پنتاگون دقیقاً میدانند چگونه بازی جدید را در اوراسیا پیش ببرند و آن بالکاتیزه کردن افیک است . یعنی تجزیه هر دو کشور افغانستان و پاکستان . این بمعنای ایجاد یک پشتونستان مستقل و یک بلوچستان مستقل است . در واقع منطق امپراطوری هرج و مرج همان منطق قدیمی امپراطوری بریتانیاست که میگوید تفرقه بیانداز و حکومت کن تا شاید کنترل مناطق بیشتری را بدست آورد .

### ناسیونالیسم پشتون

قبایل پشتون از شرق افغانستان تا غرب پاکستان هیچگاه اتحاد قبیله ای خود را از دست نداده اند . کسانی که با مسائل افیک آشنایی دارند میدانند که این منطقه هنوز بهای وفاداری به اتحاد قبیله ای خود را میپردازد . منظوری زمانی است که در مقابل سیاست تفرقه بیانداز و حکومت کن انگلیسها ، در سال ۱۸۹۷ پشتونها را در دو سوی خط مرزی مصنوعی "دوران" از هم جدا کردند . این خط مرزی دست ساز انگلیسها هنوز مرز رسمی بین افغانستان و پاکستان میباشد . کسانی که از این خط مرزی عبور کرده اند مثلاً از شهرک ترخام در پانین دره خیبریه آنسوی مرز عبور کرده اند میدانند که مرز معنایی ندارد و امواج مردمی که از یکسو بسوی دیگر میروند همه فامیل یکدیگرند . پشتون ها تا بحال آرزوی بازگشت به شرائط قبل از استعمار و ایجاد دولت "دُرانی" افغان که بخشهای وسیعی از پاکستان امروز را در بر میگیرد ، از دست نداده اند .

کمتر کسی متوجه شده است که اخیراً پشتونها روی یکی از تقاضاهای پایه ای خود اصرار میورزند و آن تغییر نام استان مرزی شمال غربی پاکستان به پختون خوه (بمعنای سرزمین پشتونها) میباشد . جلو این خواسته توسط پنجابی های مسلط در پاکستان در سپتامبر امسال گرفته شد . لذا ملی گرایان پشتون در شهر تاریخی پشاور که مرکز این استان هم میباشد دست به اعتراض زدند . آزادخواهی ملی پشتونها در اوج خود است و چه گواراهای پشتون هم اکنون فرمان تسلیح همگانی را صادر کرده اند .

اما هر چند که واشنگتن به جنگی که بر علیه پشتونها از سال ۲۰۰۱ شروع کرده است - و این روزها از دولت مطیع خود آقای آسف علی زرداری در اسلام آباد هم کمک میگیرد - ادامه دهد کار خارق العاده ای نکرده است . همه چیز به ضرب المثل معروف اوایل قرن بیست و یکم بر میگردد که میگوید هر طالبان یک پشتون است اما هر پشتون یک طالبان نیست . شاخه های قابل ملاحظه ای از پشتونهای غیر مذهبی هم وجود دارند که "تحریک طالبان پاکستان" ، دگماتیسم و اصول گرای اسلامی آنان را قبول ندارند حتی اگر که توده های پشتون به "تحریک طالبان پاکستان" به چشم وسیله ای برای رسیدن به پشتونستان بنگرند . اگر به مسیری که پول به دست پشتونها میرسد بنگریم میبینیم که مثل قبل اسلام آباد آنها را کمک نمیکند بلکه متولین مذهبی و بازرگانان متعهد و ثروتمند خلیج فارس هستند که آنها را حمایت مالی میکنند . حامیان مالی بیش از اینکه به آزادیهای ملی در پشتونستان علاقه مند باشند به جهاد اعتقاد دارند و این خود حقانیت طالبان را بعنوان وسیله ای برای رسیدن به استقلال پشتونها زیر سوال میبرد . در عین حال اگر "تحریک طالبان پاکستان" و پشتونهای متحدش بتوانند با حمایت یا بدون حمایت جهادپویان دالان استراتژیکی که بخش شرقی افغانستان و بخش غربی پاکستان را شامل میشود تحت کنترل خود درآورند و کنترلی نسبی بر شهر پشاور داشته باشند دستاورد عظیمی برای آنان خواهد بود . بدین معنا که یک شیخ نشین اسلامی بنام پشتونستان تأسیس کرده اند .

عوامل دیگری غیر از "تحریک طالبان پاکستان" برای هموار کردن راه پشتونستان نیز وجود دارند . کمکهای اقتصادی غرب و برنامه های کمک های امدادی به افیک تا بحال بسیار حقیر و ناچیز بوده و هیچگاه به دست پشتون های معمولی نرسیده است . افساء این خبر محرمانه ای در آمریکا هیجوقت در افغانستان سرّی نبوده که آقای احمد ولی کرزایی یعنی برادر برنده انتخابات ریاست جمهوری افغانستان در لیست حقوق بگیران سیا بوده است . این خبر آخرین شک و شبیهات را از اینکه از کابل چیزی دستگیرشان شود راز بین برده است .

رسانه های دولتی ایالات متحده در زمان معرکه گیری انتخابات ریاست جمهوری افغانستان متوجه شدند که کارنیروهای امنیتی آمریکا و ناتو رشوه دادن به سران پشتون برای تحصیل امنیت و برای جلوگیری از مین گذاری بوده است . اما رشوه همه کارها را انجام نمیدهد مثلاً طالبان از طریق وزیر امور خارجه پیشین خود ملا متوکل ، پیشنهاد آمریکا مبنی بر استقرار هشت پایگاه دائم نیروهای ناتو در شش استان طالبان نشین را رد کرد .

سازمانهای امنیتی و نظامی اسلام آباد که خود دولتی در دولت هستند در واقع زانده ای از دولت واشنگتن میباشد . پشتونها حمله اخیر به وزیرستان را با تسلیم زرداری به واشنگتن یکی میدانند و میگویند وی مثل بوش شرف یعنی پرویز مشرف است . هر دولت نا کارآمدی در پاکستان مثل این دولت یا دولتی دیگر، ذره ای شانس برای کنترل سرزمینهای افغان که پس از ایجاد خط دوراند در خاک پاکستان قرار گرفته است را ندارد . فقط در سال ۲۰۰۹ بیش از دو میلیون پشتون اجباراً آواره شده اند . در باره نسل کشی پشتونها کم گفته نشده است .

بنابراین اگر واشنگتن بتواند خط پنتاگون را پیش ببرد باید بتواند خیلی ساده تر و با خونریزی کمتری به هدف خود برسد: یک یوگسلاوی دیگر ایجاد کنیم . بالکاتیزه کنیم . امپراطوری دُرانی افغان ها را بر پا کنیم .

### بار دوم

اقوام ساکن در دو سوی مرز جزء قبایل پشتون و بیشتر روستایی اند . آنان بهمان اعتقادات و رسوم مذهبی ای معتقدند که مدارس " دیوبندی " <sup>۵</sup> فوق ارتجانی سنی ، در جنوب آسیا آن عقاید را ترویج میکنند . شبکه های وسیعی از این مدارس در پاکستان ایجاد شده است . با یک سفر به شهرک " اسپین بولدک " <sup>۶</sup> در جنوب افغانستان میتوان دید که درآمد پشتونها از قاچاق کالاها مختلف و بویژه قاچاق مواد مخدر بین شهرهای قندهار و کویت بدست میاید و کسانی که در کار قاچاق نیستند یا به حمل و نقل مشغولند و یا به تجارت الوار . پول رد و بدل شده از این فعالیتها در دست استثمارکارگران پشتون در حوزه خلیج فارس بسیار زیاد است .

از نظر سیاسی احزابی چون جماعت علمای اسلامی پشتونها را نمایندگی میکنند . از نظر دیپلماتیک با کشورهای حوزه خلیج فارس و کشورهای سازمان کنفرانس اسلامی روابط نزدیکی دارند . از نظر نظامی تنها " تحریک طالبان پاکستان " نیست که آنان را حمایت میکند بلکه از سوی گروه های بیشمار طالبان حمایت میشوند . از نظر استراتژیکی میتوان آنان را همچون یک نهضت ناسیونالیست فوق مذهبی روستایی نگرینست که با چنگ و دندان با دولت فاسدی که در مناطق شهری مستقر است میجنگند و انسان را بیاد زمان ژان ژاک روسو میاندازد که آدمهای خوب قبایل وحشی با سربازان مستعمره چنان میجنگیدند .

البته نیروهای چپ یعنی روشنفکران غیر مذهبی پشتون اینطور فکر نمیکنند بلکه آنها معتقدند که سازمانهای امنیتی مملو از مأمورین پنجابی هم طالبان و هم ارتش پاکستان را کنترل میکنند ، لذا چپها خواهان نابودی هردو اند . گروهی ناسیونالیستی مثل " نهضت آگاهی پشتون " معتقد است که پشتونها باید خودشان

بتوانند خود را از شر طالبان خلاص کنند نه توسط ارتش پاکستان که تحت کنترل پنتاگون است . از نظر حزب ملی عوامی پشتون که در نواحی شمال شرق پاکستان در قدرت است و باید با اسلام آباد کار کند آرزوی ایجاد پشتونستان آرزوی بسیار دور دست است .

- ۱- تحریک طالبان پاکستان (نهضت دانشجویی پاکستان) اصلی ترین پوشش تندروی طالبان در پاکستان و مخالف دولت مرکزی.
- ۲- افیک - افغانستان و پاکستان .
- ۳- خط مرزی دوران بین افغانستان و پاکستان به امتداد ۲۶۴۰ کیلومتر پس از " موافقت نامه خط دوران" در سال ۱۸۹۳ میلادی بین سرهنری مورتیمر دوران وزیر امور خارجه وقت مستعمرات بریتانیایی هند و امیر عبدالرحمان خان حاکم وقت افغانستان امضاء شد.
- ۴- حکومت دُرّانی در افغانستان از ۱۷۵۰ میلادی .
- ۵- دیوبندی در زبان اردو کسی است که از روش نهضت دیوبندی اسلام پیروی میکند. این نهضت در دارالعلوم شهر دیوبند هند در سال ۱۸۶۶ بنیان گذاشته شد و عمدتاً تابع تسنن حنفی میباشد .
- ۶- شهر اسپین بولدک متعلق به استان قندهار در جنوب افغانستان و در کنار خط مرزی دوران با پاکستان است .

## قسمت دوم

### جداشدن مشکل نیست

ژنرال استالنی مک کریستال فرمانده نیروهای آمریکایی در افغانستان در داخل آمریکا بعنوان یک سردار جنگی و نمونه ای از بهترین و باهوش ترین سرباز قرن بیست و یکم معرفی میشود. ممکن است وی جنگاوری با هوش و بیبشتر شبیه کلنل کورتز باشد تا شبیه کاپیتان میلارد در فیلم آپوکی لیبس (آخر زمان) ساخته فرانسویس فورد کوپولا. میدانیم که مک کریستال فرمانده یک جوخه نخبه مرگ در عراق بود و با وجود آنهمه برنامه های اجتماعی اش برای پیشگیری از درگیری بین سربازان این فیلسوف جنگجو و شورشیان عراق ، بنظر میرسد که راجع به پشتونها هیچ نمیداند.

مک کریستال تعجب میکند که چرا اینهمه جوان پشتون به طالبان میپیوندند . دلیلش این است که رژیم کابل بغایت فاسد است، دلیلش این است که آمریکایی ها خانه های آنان را بمب باران کرده و دوستان و فامیل آنها را کشته اند ، دلیلش این است که با پیوستن به طالبان میتوانند برای خود موقعیت اجتماعی کسب کنند . آنها خود را به دلار بی ارزش شده آمریکا نمی فروشند . هدف نهایی آنها بیرون کردن اشغالگران و استقرار امیرنشین افغانستان است که با قوانین اسلامی اداره شود. از این زاویه سربازان مک کریستال با سربازان روسی ارتش سرخ که در سالهای ۸۰ با افغانستان وارد جنگ شدند هیچ فرقی نمیکند.

مک کریستال با آنهمه حرف در مورد " امنیت مردم" هنوز نتوانسته انتظار مردم آمریکا را برآورده سازد . افغانها میدانند که اگر کسی به طالبان کاری نداشته باشد طالبان هم به کسی کاری نخواهد داشت. اگر کسی مزرعه کشت خشخاش دارد طالبان فقط مالیات را میگیرند و بس.

این سیستمی که مک کریستال میخواهد دل مردم پشتون را بدست بیاورد وی را بجایی نمیرساند. سربازان مک کریستال که یک کلمه پشتو نمیدانند چگونه میخواهند با یک روستایی طالبان که خود را در جهاد برای بیرون کردن خارجی ها میبیند صحبت کند.

تا جاییکه ارتباط طالبان و القایده مطرح است این روزها نه طالبان به القایده نیازمند است و نه القایده به طالبان. القایده به پاکستانی های شبیه لشکر طیبه نزدیکتر است تا به افغانها . اگر مک کریستال بدنبال جهادیون القایده است باید بساطش را در کراچی پهن کند نه در هندوکش.

در تمام تابستان ۲۰۰۹ حدود ۲۰۰۰۰ سرباز آمریکایی و پیمان ناتو بدنبال طرح " پاکیزه گی، نگهداری و سازندگی" فقط توانستند یک سوم استان هلمند را به کنترل خود در آورند. طالبان کنترل حداقل ۱۱ استان را در افغانستان بعهده دارد. محاسبه اینکه لازمه کنترل ۱۰ استان دیگر چیست کار مشکلی نیست چه برسد به کنترل کل افغانستان ، شاید هم همانطور که فرماندهی نیروهای بریتانیا پیش بینی کرده است این کنترل تا سال ۲۰۵۰ طول بکشد . بیخود نیست که واشنگتن در ارقام مختلف غرق شده است ، ظاهراً مک کریستال تقاضا کرده است که تا قبل از سال ۲۰۱۵ تعداد ۵۰۰۰۰ سرباز بیشتر برایش بفرستند. اگر مک کریستال این سربازان را بدست نیاورد مجدداً برنامه بمبارانها و ایجاد جهنمی دیگر روی زمین از سر گرفته میشود.

### نفاق بیانداز و کنترل کن

پنتاگون و ناتو هیچوقت خواهان یک پاکستان مستقل ، قوی و آرام نیستند. فشار واشنگتن هم روی پاکستان هیچوقت کم نخواهد شد اما درعین حال پنتاگون این ترس را هم دارد که پاکستان زیر فشار بیوسوی چین رانده نشود. سیاست گذارانی که در صندلی های چرمی شان جا خوش کرده اند آرزوی دولتی را در پاکستان درسر میپروارند که بتواند مشکل کشته شدگان درگیری ارتش پنجابی بر علیه پشتونها را حل کند . از نقطه نظر بالکانیزه کردن افیک این چه فایده ای برای آمریکا دارد ؟ اتفاقاً نتیجه پر سودی برای آمریکا خواهد داشت - بیش از همه خنثی کردن تماس مستقیم مرزی بین خاک چین (شین جیانگ) و پاکستان برای دسترسی به خلیج فارس و دریای عمان است (از طریق بندر گوآتر در استان بلوچستان) .

منطق واشنگتن برای اشغال افغانستان - که همواره تحت پوشش " جنگ با تندروان اسلامی" اعلام شده - خواست پنتاگون برای کنترل تمام عیار این منطقه است: برای اعمال جاسوسی علیه چین و روسیه و تأسیس پایگاه های نظامی برای حمایت از خط لوله های انتقال انرژی در افغانستان و ضمناً شریک بودن در کنترل تجارت مواد مخدر افغانستان بهمراه خوانین محلی . هرونین ارزان بوضوح به روسیه ، ایران و به اروپای شرقی سرازیر میشود . این اتفاقی نیست که روسیه بیشتر خواستار جلوگیری از تریاک و هرونین افغانستان است تا برخورد با اصول گرایان اسلامی.

بگذار سیاست گذاران کار خود را بکنند. هفته گذشته در جلسه ای در سنای آمریکا در واشنگتن که در رابطه با حمله به افغانستان صورت گرفت مشاور امنیت ملی جیمی کارتر رئیس جمهور سابق آمریکا یعنی . آقای زیگ نیف برژینسکی- کسی که افغانستان را تبدیل به ویتنام روسها کرد- اعتراف کرد که وی در سال ۲۰۰۱ دولت جرج دابلیو بوش را تشویق به حمله به افغانستان کرده است . وی اضافه کرد که به دونالد رامسفلد رئیس وقت پنتاگون نیز گفته است که آمریکا نباید در افغانستان مثل " ارتشی بیگانه" باقی بماند، همان چیزی که اکنون بچشم میخورد.

برژینسکی معتقد است که هنوز آمریکا نباید افغانستان را ترک کند . وی میگوید آمریکا باید از " تمام اهرمهای خود" برای درگیر کردن ناتو در افغانستان استفاده کند. تعجب آور نیست که برژینسکی نتوانست جلوی خود را بگیرد و نیت این " ماموریت" را فاش کرد و آن " لوله ستان" بود یعنی احداث خط لوله انتقال انرژی از طریق افغانستان" بهر شکل ممکن .

ممکن است که چین ، هند و روسیه با یک راه حل منطقه ای - نه آمریکایی- برای افغانستان موافقت کنند اما هنوز با فرمولی که بتوان به سازمان همکاریهای شانگهای ارانه کرد نمیتواند موافقت کند . لی کین گونگ ، مرد شماره دو شورای مطالعات برنامه های امنیتی چین همواره روی این موضوع تکیه کرده است اما آمریکا میخواهد یک جانبه عمل کند.

اگر به تحقیقی که در سال ۱۹۹۷ توسط مؤسسه انتشاراتی بروکلین چاپ شد برگردیم میبینیم که جفری کمپ و رابرت هارکاوای در تحقیق شان تحت عنوان " جغرافیای استراتژیک و خاور میانه در حال تغییر" منطقه ای را بنام "بیضی استراتژیک انرژی" مشخص میکنند که یک مرکز آن در دریای خزر و مرکز دیگرش در خلیج فارس است. این منطقه بیضی شکل بیش از ۷۰ درصد ذخائر نفت جهان و بیش از ۴۰ درصد ذخائر گاز طبیعی جهان را در خود دارد . این تحقیق مصر است که منابع موجود انرژی در این منطقه " کم جمعیت" توسط میلیاردها مردم فقیر ساکن جنوب آسیا " تهدید" میشود . بنابراین کنترل بر آسیای میانه مسلمان و افغانستان بعنوان دیواری در مقابل چین و هند ضروریست است.

باین دلیل است که جنگ افروزان بر روی نظراتشان اصرار میورزند . آنها خواهان بالکانیزه کردن این منطقه هستند. باید "کنترل تمام عیار" خود را برای امنیت انرژی موجود در این ناحیه حفظ کنند . پنتاگون بخوبی میداند که افیک منطقه ای کلیدی است و پلی است که از سمت غرب به ایران و از سمت شرق به چین و

هند وصل میشود ، پنتاگون همچنان میدانند که ایران تمام انرژی نفتی را که چین و هند احتیاج دارند در دست دارد . نظریه "کنترل تمام عیار" بهیچوجه خواهان افپکی که ایران و چین و روسیه در آن نفوذ داشته باشند نیست. در بازار مکاره جهانی افپک چیزهای رنگارنگی به چشم میخورد. در حالیکه بازی مک کریستال همه را بخود مشغول کرده ، چیزی که در پس پرده برای آمریکا مهم است این است که چگونه محاصره ایران، روسیه و چین را پیش ببرد . حقیقت این است که با تمام جدا کردن ها و بالکاتیزه کردنها نام بازی اصلی افپک نیست. اینهمه هیاهو برای "بازی بزرگ جدید" ی است که کنترل اوراسیا را هدف خود قرار داده است. این مقاله در تاریخ های ۶ و ۷ نوامبر ۲۰۰۹ در مجله آنلاین تایمز آسیا به چاپ رسیده است .

**Globalistan: How the Globalized World is dissolving into Liquid War (Nimble Books, 2007)** په په اسکویار نویسنده  
و **Obama does Globalistan** کتاب اخیر وی میباشد و **Red Zone Blues: a snapshot of Baghdad during the surge** و  
به تازگی منتشر شده است. **(Nimble Books, 2009)**